

-فیصله های شورای وزیران و یا رها کردن باد در هوا

مساله ی فرهنگی با همه پهنا و ژرفای که دارد:

پیشرفت علوم، اختراعات، انکشافات و نو آوری که در جهان دیده میشود به حدی سریع السیر است که شگفت آفرین و در آفرینش وسایل و آلات معجزه می نماید .

امریکا دشمنان خویش را ذریعه ی طیارات بدون پیلوت در عمق اهداف خویش تعقیب و هدف قرار میدهد ذریعه ی ماواره های پیشرفته گزیده میزند و میهن خود را از نفوذ دشمنانش حفاظت میکند. تلفون بی سیم، اختراع و ابداع وسایل دیگر شرق و غرب شمال و جنوب را با هم مرتبط ساخته است و میتوان مطالب و موضوعات قابل انتقال را در یک ثانیه از امریکا تا اقصای جهان و دور ترین نقطه انتقال بدهد و از آن جا ها موضوعات را به امریکا بیآورد. همیگونه است رساندن پست و نامه نیاز به وسایل انتقال داشت، اکنون از طریق الکترونیک و انرژی در کمتر از یک دقیقه به ادرس منظور میرساند.

کمپیوتر و انترنیت وسیله ی خارق العاده است موضوعات مختلف به زندگی را به سهولت انجام میدهد، با دور ترین نقاط به هدف میرسد در ادارات و پرشکی مسایل را ساده حل می نماید و اکنون ما میتوانیم اقارب و خویشاوندان خویش را در دور ترین نقاط با هم ببینیم و یکدیگر را مشاهده نماییم.

این تحلیل نشان میدهد که جهان بی نهایت کوچک شده و به مثابه دهکده و یک قشلاق خورد قرار گرفته است. و حالا گز و بر میکنیم که فیصله ی شورای وزیران را که فرمان داده اند که فرهنگ بیگانه ها از فرهنگ کشور تمیز و از کتاب و دفتر و اداره ها بیرون ریخته شود . دیگر در مکالمات روز طرف استفاده قرار نگیرند. یک فیصله ی درست است و یا نا روا؟ در آغاز باید کمپیوتر را که فرهنگ بیگانه ها است از ادارات بیرئن ریخت.

-طوریکه گفته امدم دنیا یک قریه کوچک و بی نهایت بی گز و بر شده است کجا میشود فرهنگ یک طرف یک قریه را از آن طرف دیگر جدا ساخت و حتی کل قریه دارای فرهنگ واحد ، مشترک و لایتجزا است.

اولاً جدا سازی فرهنگ بی نهایت دشوار است، فیصله و فرمان شورای وزیران قادر به انجام این وظیفه نیست و حتی یک اکادمی علوم و حتی جهان در مجموع قادر به اجرای جدا سازی فرهنگ ها بوده نمی تواند.

در زبان انگلیسی پدر و مادر و بسیار کلیمات و واژه های دیگر وجه مشترک دارند و یا دیده میشود در رسوم عادات و کلچر به هم نزدیکی داریم .در عبادات دست آنها طرف آسمان بسوی خدا دراز میگردد و نیاز خود را از ان ذات تمنا می برند همین گونه است .مسلمانها هم به این شیوه و شکل بخدای خویش مراجعه و نیازمندی های خود را به پشگاه خالق یکتا با عجز و بیچاره

گی عرضه می نمایند. اگر شورای وزیران افغانستان فیصله ی خویش در پراتیک پیاده کند دین مردم کشور را از سرحدات افغانستان بیرون میریزند و خدمت شگفت انگیز به مردم متدین انجام میدهند.

کلیمه (بانک) که نه در زبان پشتو و فارسی است نه در سایر زبانهای مردم میهن. کلیمه ی فرانسوی است من فکر میکنم کشیدن این کلیمه از فرهنگ مردم و آوردن کلیمه معادل ان دیوانگی است و هیچ کلیمه ی نمی تواند در جای ان بنشیند و حکمروایی کند و البته این یک نمونه مثال است.

افغانستان و تمام کشور های اسلامی از اختراعات و حتی مدل اختراعات دیگران محروم اند و هر چیزیکه مهر تخنیک را خورده است ، ساخت کشور های دیگر است و به اشیای مؤلد خود نام گذاشته اند و حالا ما به لحاظ مفهوم ان یک نام دیگر بگذاریم نهایت بی ادبی است و حتی نام مردی است. من فرزند خود را نام میگذارم و همسایه چه حق دارد که برای مؤلد من نام دیگری بگذارد .

افغانستان تا حالا قادر به ساختن سوزن نیست و چیز های کلان دیگر را هرگز ساخته نمی تواند

در افغانستان نمی شود فرهنگ های بیگانه را از فرهنگ کشور جدا ساخت و این کار نهایت بی فرهنگی است که فرهنگ خود را از روح و روان تهی بسازیم و با ان بستیزیم . اگر به حساب تزی ها ی کریم (خرم) کلیمات و واژه های ناب فارسی دری را از زبان و لهجه معمول ان زبان بکشند هرگز قادر به تمویل این فیصله نخواهند شد و یک تلاش بیهوده است زیرا زبان فارسی سابقه ی 5000 ساله دارد و ریشه این زبان در ژرف های تاریخ و عمق زندگی مردم جای گرفته است که بیرون کشیدن این ریشه ها از قدرت و فیصله شورای وزیران به فرسخها فاصله دارد. زبان فردوسی ، سعدی و هزران سخنور نادر است . و زخایر ادبی و اشعار سچه و ناب است که حتی دانشمندان خارج به این زبان با عظمت ارج می گذارند.

زبان فارسی دری و تاجکی زبان واحد است و کلیمات متداول در هر سه کشور البته با تفاوت لهجه ها زبان با قدسیت فارسی را تشکیل میدهند، زبان توده ها و اکثریت مردمان آسیای میانه است. و به این زبان تکلم میکنند در هند و پاکستان نیز از حلاوت و عذوبت اش سهم میبرند. علامه اقبال و صد ها نویسنده و شاعر از حوزه تمدنی هند که به این زبان شعر های سروده اند. مثال های روشن این ادعا است .

زبانهای داخل و مروج کشور در غنا مندی خویش از همدیگر وام برده اند و با هم برادر وار حیات بسر می برند و میگویند برخی کلیمات کج شده ی فارسی واژه گان زبان پشتو را ساخته اند .

رهبران کج نظر میهن!

سی سال است مردم کشور رنج میکشند ، قربانی داده اند، هیچ خانواده ی نیست که به داغ یکی از اعضای فامیلش سوگوار نباشند. اگر به توغ های قبرستانها نظر بیاندازید به عمق فاجعه پی می برید فرزندان جنوب ، مرکز ، غرب و شرق کشور همه روزه تلفات میدهند و اخبار افغانستان

همه روزه به جز از کشتار و نابودی مردم دیگر خبری ندارد. خلاصه تمام مردم کشور ازین مصیبت بی نصیب نمی باشند. هستی و دارای وطن در کام نیستی فرو رفت، بیت المال چور و چپاول شد، کشور ویران گردید و شکم هزار پاره ی کاخ تاریخی شاه امان الله خان تمام جنایات و ادمکشی درین گوشه جهان رافاش و بر ملا میسازد .

بیایید سلاح اندیشه ی باطل خود را به زمین بگذارید و بیش از این اسباب رنجش خاطر مردم نگردید و فرهنگها را از همدیگر جدا نسازید که هر یک به غنای دیگرمدد میرسانند.

هر دو فیصله ی شورای وزیران هم در باره ی خروج نیرو های امریکای از ولایت وردک و هم بیرون کردن اصطلاحات فرهنگ بیگانه از فرهنگ کشور چون رها کردن باد در هواست و تعمیم هر دو فیصله از توان شورای وزیران بدور است و همین اکنون نا توانی شورای وزیران در اخراج نیرو های امریکا از ولایت وردک این مطلب را روشن میسازد.